

بررسی تحلیلی تعهد اجتماعی با تأکید بر صحیفه سجادیه (تعریف، مؤلفه‌ها و مصادیق)*

حسین امینی^۱

علی خیاط^۲

محمد میرزائی^۳



چکیده

امروزه «تعهدات اجتماعی» از مفاهیم مهم در مباحث حقوقی و جامعه‌شناسی است که به دلیل کثرت رویکردهای نظری به این اصطلاح، دستیابی به چارچوب تحلیلی واحد از آن، یکی از ضرورت‌ها در این زمینه به شمار می‌رود. در این راستا بررسی این موضوع از نگاه دینی با تکیه بر صحیفه سجادیه امری بایسته است. در جستار پیش رو، با روش توصیفی-تحلیلی، تلاش شده نخست تعریفی مطابق با رویکرد امام علیه السلام در صحیفه سجادیه ارائه گردد. در گام بعد با مراجعه به مضامین دعاهاى موجود، گستره این مفهوم از نگاه امام سجاده علیه السلام مشخص می‌شود که در نتیجه آن، مؤلفه‌های این حوزه نیز قابل استخراج خواهند بود. با کنار هم قرار دادن تعریف و مؤلفه‌های به دست آمده از منظر امام زین‌العابدین علیه السلام مصادیق (مستقیم و غیر مستقیم) نیز قابل دستیابی است.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱- تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۶ / مقاله ترویجی

۱. طلبه سطح ۳ حوزه علمیه خراسان و دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) / hossein.amini011@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران / khayyat313@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران / mirzaee@razavi.ac.ir

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تعهد اجتماعی شامل تمام کنش‌ها و مسئولیت‌هایی است که فرد، با توجه به ارزش‌های پذیرفته شده خود نسبت به خداوند، خویشان، دیگران و محیط زیست بر عهده دارد و در چارچوبی مشخص به انجام بایدها و پرهیز از نبایدها ملزم می‌شود. مؤلفه‌های این مفهوم بر پایه روابط انسان با خدا، خود، دیگران و محیط زیست بنا شده است. همچنین مصادیق آن در هفت گروه خانوادگی، اجتماعی، معرفتی، نظامی، محیط زیست، اقتصادی و حکومتی قرار می‌گیرند. در واقع امام سجاد علیه السلام چارچوب جدیدی را برای این مفهوم ترسیم می‌کنند که تاکنون مورد توجه جامعه‌شناسان نبوده است؛ چارچوبی که هر قدر نهاده‌سازی شود، عملکرد مطلوب‌تری را در جامعه ایجاد خواهد کرد.

واژگان کلیدی: امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه، تعهد اجتماعی، تعریف، مؤلفه، مصادیق.

مقدمه

یکی از مفاهیمی که در مسائل اجتماعی مورد بحث قرار گرفته «تعهد اجتماعی» است که در جهان امروز التزام به آن از اهمیت بسیاری برخوردار است و اگر به درستی به اجرا درآید پیشرفت، توسعه و انسجام کشور را به ارمغان خواهد آورد.

در این خصوص در نظر گرفتن رویکردهای متفاوت و ابعاد این مسئله، همراه با بهره‌گیری از منابع دینی و به طور خاص صحیفه سجادیه می‌تواند نگاهی چند بعدی به پژوهشگران ارائه دهد. پرسش پژوهش حاضر آن است که تعریف، مؤلفه‌ها و مصادیق تعهد اجتماعی از منظر مورد بحث چگونه تبیین می‌شوند و چه گستره جدیدی را در بر خواهند گرفت.

با توجه به اهمیت و میان رشته‌ای بودن این مسئله، بررسی در این زمینه می‌تواند جنبه‌ها و راهکارهای نوینی را واکاوی و تبیین نماید.

در مورد پیشینه بحث نیز باید گفت تاکنون اثر مستقلی در این رابطه نوشته نشده و نگاشته‌های موجود نیز اشتراکات ناچیزی با موضوع این پژوهش دارند. بنابراین ضروری است دیدگاه شفاف‌تری نسبت به این مفهوم اجتماعی و گستره آن به دست آید تا در تحقیقات آینده، پژوهشگران بتوانند با تکیه بر ساختارهای جدیدی که در این نگارش تبیین خواهد شد برای مشکلات اجتماعی، راهکارهای نوین و کاربردی ارائه دهند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. تعهد

"تعهد" واژه‌ای عربی است از ریشه "عهد" که در لغت از آن به وصیت، پیمان و برعهده گرفتن یک مسئولیت تعبیر می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۹/ ۴۴۸: رک. دهخدا، ۱۳۷۲، ۱۰/ ۱۴۵۱).

در حوزه فقه و حقوق، واژه "عهد" در برخی موارد مترادف با عقد و تعهد به کار رفته است.

علاوه بر این، در تعریف تعهد به عنوان یک اصطلاح حقوقی آمده است: «تعهد یک رابطه حقوقی است که نتیجه آن انتقال مال، انجام یک عمل یا خودداری از انجام یک فعل مشخص و یا اسقاط یک اثر حقوقی می باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷، ۹۰۹/۱). پس می توان این گونه برداشت کرد که تمام الزاماتی که فرد در حوزه های مختلف اعم از قهری یا قانونی برعهده می گیرد، مصداقی از مفهوم تعهد است.

۱.۲. تعهد اجتماعی در صحیفه سجادیه

مفهوم تعهد اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اساسی اندیشه اسلامی، به طور خاص در سخنان امام زین العابدین (علیه السلام) تجلی یافته است. ایشان با طرح مباحث گسترده در این زمینه، تعریفی جامع و فراگیر از تعهد اجتماعی ارائه کرده اند که فراتر از برداشت های متداول امروزی است. به عبارتی این تعریف ابعادی را در بر می گیرد که پیش تر در اندیشه سایر متفکران کمتر مورد توجه قرار گرفته بود.

معصوم (علیه السلام) در نخستین گام، ارزش های حقیقی را برای انسان ها آشکار می سازند. پس از آن که افراد با تفکر عمیق، این حقایق را درک کرده و اصول کلی در وجودشان نهادینه شد، دامنه این تعهدات را گسترش می دهند. در واقع امام (علیه السلام) علاوه بر مسئولیت های انسان در برابر دیگران^۱ به وظایفی اشاره می کنند که نشان می دهد فرد در قبال خود نیز تکالیفی دارد.^۲

۱. رک. صحیفه سجادیه: ولایتمداری (۶۴/۴۷)؛ تعاون: کمک نمودن به افراد ناتوان (۱۸/۶)، یاری رساندن به ستم دیدگان برای احقاق حقشان و مقابله با ظالم (۲/۲۶)، کمک به رزمندگان اسلام در زمینه های مختلف (۱۳/۲۷).

۲. رک. صحیفه سجادیه: وجدان (۱۴/۳۱)؛ غیرت (۷/۴۴).



هرچند در نگاه نخست ممکن است این مسئولیت‌ها فاقد جنبه اجتماعی به نظر برسند، اما از آنجا که افراد، اساس جامعه محسوب می‌شوند، نهادینه‌شدن این اصول در شخصیت آنان، تأثیر مستقیم و عمیقی بر جامعه خواهد داشت.

از منظر امام سجاد (ع)، تعهد اجتماعی نه تنها به تعاملات انسانی محدود نمی‌شود، بلکه شامل ارتباط فرد با خداوند متعال نیز هست.^۱ این پیوند معنوی که بر اساس آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد، تأثیر قابل توجهی بر نگرش فرد دارد و می‌تواند به طور مستقیم میزان تعهد اجتماعی او را در جامعه تقویت کند. هرچند ممکن است برخی افراد بدون باورهای دینی نیز به مسئولیت‌های اجتماعی خود پایبند باشند، اما ارتباط با عالم معنا، به عنوان یک عامل انگیزشی و تثبیت کننده، نقش مهمی در استحکام و عمق تعهد اجتماعی ایفا می‌کند.

یکی دیگر از ابعاد مهم تعهد اجتماعی در صحیفه سجادیه، ارتباط انسان با محیط زیست است.^۲ در این ارتباط، از یک سو حفظ و پایداری محیط زیست نقش مؤثری در تقویت تعهد اجتماعی دارد و افرادی که در فضایی سالم زندگی می‌کنند، احساس تعلق بیشتری به جامعه خود دارند و به مسائل اجتماعی توجه بیشتری نشان می‌دهند و از سوی دیگر، تعهد اجتماعی تأثیر مهمی در حفاظت از محیط زیست دارد و افراد مسئولیت پذیر، نسبت به مسائل زیست محیطی حساس ترند و مشارکت بهتری در فعالیتهای مربوط به آن از خود نشان می‌دهند.

بنابراین تعهد اجتماعی و محیط زیست، دو عامل اساسی در توسعه پایدار جوامع محسوب می‌شوند.

۱. رک. صحیفه سجادیه: خدا باوری (۱/۱)؛ معادباوری (۸/۵۲)، (۱/۴۰)؛ ولایت‌مداری (۴۴/۴۵)، (۱/۱۱).

(۸/۲۸)؛ حقوق الهی (۱۳/۳۱)، (۶/۵۲)، (۱۱/۱۷).

۲. رک. صحیفه سجادیه: اخلاق زیست محیطی (۷/۱۹)؛ حقوق زیست محیطی (۲۳/۲۰)، (۳/۳۰)، (۴/۳۶).

بر این اساس مفهوم تعهد اجتماعی در صحیفه سجادیه به این صورت تبیین می‌شود: مجموعه‌ای از کنش‌ها و مسئولیت‌هایی که فرد، متناسب با ارزش‌های پذیرفته‌شده خود، در قبال خداوند، خویشان، دیگران و محیط زیست بر عهده دارد. این مسئولیت‌ها فرد را ملزم می‌سازند تا در چارچوبی مشخص، به انجام بایدها و پرهیز از نبایدهای معینی پایبند شود.

۲. مؤلفه‌های تعهد اجتماعی

از منظر امام علیه السلام، تمام مؤلفه‌های تعهد اجتماعی بر پایه روابط انسان با خدا، انسان با خویش، انسان با دیگران و انسان با محیط زیست بنا شده‌اند که در ادامه به تبیین این مؤلفه‌ها خواهیم پرداخت.

۲.۱. حقوق الهی (ارتباط انسان با خدا)

رشد و تعالی انسان در همه زمینه‌ها؛ چه فردی و چه اجتماعی، به مسئولیت‌پذیری او بستگی دارد. اولین و مهم‌ترین مؤلفه تعهد اجتماعی در صحیفه سجادیه، مسئولیت انسان در برابر خداست که عامل عملیاتی شدن سایر مؤلفه‌ها نیز هست. خداوند متعال، خالق و مالک بی‌قید و شرطی است که همه چیز در طول اراده اوست.

امام سجاد علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

«اَعْلَمَ رَحِمَكَ اللَّهُ أَنَّ لِلَّهِ عَلَيْكَ حُقُوقاً مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحَرَّكْتُهَا أَوْ سَكَنَةٍ سَكَنْتَهَا أَوْ مَرَلَةٍ نَزَلْتُهَا أَوْ جَارِحَةٍ فَلَبَّتْهَا وَ آلَةٍ تَصَرَّفَتْ بِهَا بَعْضُهَا أَكْبَرُ مِنْ بَعْضٍ وَ أَكْبَرُ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَهُ لِنَفْسِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَصْلُ الْحُقُوقِ... فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ - الْأَكْبَرُ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِحْلَاصٍ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۲۵۵/۱)؛ بدان که خدای عزّ و جل را بر تو حقوقی است که تو را



دربرگرفته‌اند؛ در هر حرکتی که انجام دهی یا سکون و آرامشی که برگزینی یا جایگاه و مقامی که احراز کنی یا عضوی که دگرگون کنی یا ابزاری که به کارگیری. بعضی از این حقوق از بعضی دیگر بزرگ‌ترند. پس بزرگترین حقوق خداوند بر تو حقوقی است که از حق خودش - که ریشه و منشأ همه حق‌هاست... پس حق خداوند که بزرگترین حق است بر گردن تو آن است که فقط بنده او باشی و در عبادت و بندگی شرک نورزی پس وقتی که چنین بودی و بنده مخلص او شدی... .

با این کلام امام علیه السلام بحث کاملاً روشن می‌شود زیرا طبق این فرموده، نخستین ویژگی حقوق خداوند بر انسان‌ها این است که بسیار عظیم و رفیع و فراگیر و همه‌جانبه است: «حُقُوقاً مُحِیطَةً بِكَ»؛ یعنی اگر به آن‌ها توجه نشود نظم همه چیز به هم خواهد خورد و هرج و مرج به بار خواهد آمد.

دومین ویژگی درجه‌بندی بودن آن است: «بَعْضُهَا أَكْبَرُ مِنْ بَعْضٍ»؛ به این معنا که حقوق خداوند بر انسان‌ها دارای مراتب مختلفی است که به فراخور اهمیتش، از جایگاه و شأن خاصی برخوردار است. پس باید دقت شود که در اینجا رابطه‌ای طولی برقرار است نه عرضی.

سومین ویژگی سرمنشأ بودن برای سایر حقوق است: «هُوَ أَصْلُ الْحُقُوقِ»؛ به این معنا که اگر افراد به صورت دقیق به این موارد التزام عملی نداشته باشند در سایر حقوقی که در حوزه‌های دیگر وجود دارد موفق نبوده و ناقص عمل می‌کنند.

حال که این ویژگی‌ها استخراج شدند باید دید این حقوق که چنین خصوصیت‌های مهم و حیاتی دارند عبارت از چه مواردی هستند.

از دیدگاه امام سجاد علیه السلام سه حق بسیار مهم در اینجا وجود دارد که اولین آن بنده بودن و بندگی کردن برای خداوند متعال است: «فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ»؛ با نگاهی دقیق و عمیق به کلام امام زین العابدین علیه السلام این گونه برداشت می‌شود که این مورد از مهم‌ترین پایه‌ها

در زمینه تعهد اجتماعی است. زیرا خداوند حق تصرف در هر موجودی را دارد ولی هیچ موجودی حق بر خداوند ندارد. پس بر موجودات عالم به خصوص انسان ضروری است که راه بندگی را پیش گیرند تا بر اثر عبادت، نیت و بینش آنان استوار شود: «اللَّهُمَّ وَ ثَبِّتْ فِي طَاعَتِكَ نِيَّتِي، وَ أَحْكَمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي، وَ وَفِّقْنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَعْسَلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي» (صحیفه سجاده: دعای ۳۱)؛ خدایا! نیتم را در طاعت استوار کن و بینشم را در بندگی ات محکم فرما و به اعمالی موفقم دار که به سبب آن اعمال، چرکی خطاها را از من بشویی.

بر این اساس انسان‌ها باید نسبت به شناخت وظایفشان در قبال خداوند و نیز شناخت حقوق باری تعالی بکوشند و این مسئله را در عمل نیز نشان دهند. در اثر بندگی، انسان‌ها از خودمحموری و خودخواهی دست کشیده و متوجه خواهند شد که برای هریک از آن‌ها هدفی وجود دارد و تمام آن‌ها در عرصه بسیار وسیعی در حال حرکت به سوی مقصود اصلی خویش هستند و باید برای پیشرفت سریع‌تر و آسان‌تر در این راه با یکدیگر تعامل داشته باشند و به وظایف خود در حوزه‌های مختلف متعهد باشند که نتیجه این رویکرد، افزایش تعهد اجتماعی به صورت درونی‌سازی شده است.

دومین حق آن است که این سرسپردگی و بندگی باید عاری از هرگونه شرک باشد: «لَا تُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا»؛ به خصوص در زمینه عبودیت که عبارت است از جمع بین عبادت خداوند و غیر او (رک. طباطبایی، ۱۹۷۳م، ۲/ ۲۶۷).

امام خمینی علیه السلام شرک را در برابر توحید ذاتی می‌دانند و بر این باورند که شرک ذاتی مانند اعتقاد به دو مبدأ برای عالم است که یکی نور و دیگری ظلمت می‌باشد (خمینی، ۱۳۸۱، ۲/ ۹۰؛ خمینی، ۱۳۲۷، ۱۱) پس اگر فرد می‌خواهد بندگی کند باید در این مسیر تنها خداوند متعال را به عنوان هدف غایی در نظر بگیرد: «آمَنْتُ بِكَ وَ صَدَّقْتُ رُسْلَكَ وَ قَبِلْتُ كِتَابَكَ وَ كَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ وَ بَرِئْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاكَ» (صحیفه سجاده: دعای

۵۲؛ به تو ایمان آوردم و رسولانت را تصدیق کردم و قرآنت را پذیرفتم و به هر معبودی جز تو کافر شدم و از هر که غیر تو را پرستد، بیزاری جستم.

این مطلب به این معناست که باید در وهله نخست از شرک در عبادت و در ادامه از شرک در تمام ابعاد پرهیز کرد تا به سعادت حقیقی دست یافت.

با این نگاه همه وظایف و مسئولیت‌هایی که انسان در عرصه‌های مختلف زندگی بر عهده دارد برای رسیدن به همین مقصود تعریف می‌شوند و التزام افراد، نتیجه‌ای والا تر را در پی خواهد داشت. به همین خاطر رقابتی مثبت شکل خواهد گرفت، به این صورت که هر چه افراد جامعه به تعهدات خود پایبندتر باشند پیشرفت بیشتری خواهند داشت. در فضایی این چنینی جامعه بسیار منظم و باثبات پیش خواهد رفت و دیگر نیازی به وضع قوانین سنگین برای اجبار مردم به رعایت مسئولیت‌های خویش در عرصه‌های مختلف به ویژه در بعد اجتماعی وجود ندارد.

سومین مورد اخلاص است: «فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ»؛ واژه "اخلاص" مصدر باب افعال از ریشه خلوص و خلاص به معنای پاک شدن و سالم گشتن از آمیختگی است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۳/ ۱۷۳).

هرچند برای اخلاص معانی دیگری از جمله نجات یافتن، رسیدن و... نیز وجود دارد که هر یک به نوعی با توجه به کاربرد آن‌ها، از معانی اصلی این ریشه هستند اما در فرهنگ اسلامی مقصود از این واژه، پاک کردن نیت از غیر خداوند و انجام دادن کارها فقط برای او می‌باشد: «اللَّهُمَّ وَاعِظُكَ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَ عَادَاةَ لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ» (صحیفه سجاده: دعای ۱۷)؛ خدایا! مشمول این دعا قرار ده هر کسی را که به پروردگاری‌ات گواهی می‌دهد و به وحدانیت اخلاص می‌ورزد و به حقیقت بندگی‌ات با شیطان دشمنی می‌کند.

همان‌طور که روشن شد حقوق ذکر شده برای پروردگار متعال، رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند. به این معنا که وقتی فرد در این مسیر قرار گرفت و از شرک پرهیز نمود به مرحله‌ای بالاتر صعود می‌کند و آن، بندگی مخلصانه برای خداوند است که با رسیدن به این جایگاه، کسب رضایت پروردگار، اصل و سایر موارد، فرع بر آن قرار می‌گیرند. در واقع فردی با این سطح از تعهد به خداوند متعال، در عرصه‌های دیگر زندگی نیز متعهدانه عمل خواهد کرد. البته نه برای دستیابی به صرف منفعت دنیوی بلکه برای رسیدن به اهداف متعالی که برای خویش در زندگی دنیوی و اخروی برنامه‌ریزی کرده است. با چنین بینشی وسعت دید افراد و جهان‌بینی آن‌ها نیز ارتقا خواهد یافت. طوری که تنها یکی از نتایج مهم آن، افزایش تعهد اجتماعی به صورت خودجوش خواهد بود.

۲.۲. حقوق شخصی (ارتباط انسان با خویش)

خالق متعال، جهان را این‌گونه تدبیر کرده که هر موجودی در عالم بتواند به سوی هدف متعالی خویش حرکت کند: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰)؛ گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده و سپس هدایت کرده است.

پس هیچ چیز در این عالم، بی‌هدف و عبث نیست: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا...» (مومنون: ۱۱۵)؛ آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم؟

در این میان انسان از شرایطی متفاوت برخوردار است. زیرا تنها اوست که در این مسیر مجبور نیست و از نعمت اختیار بهره می‌برد. به همین خاطر در تعامل با خود نیز مسئول است از جمله توجه به نعمت حیات و مراقبت از آن، حفظ عزت نفس و آزادی و... پس هر چه خلاف این‌ها باشد غیر اخلاقی و مذموم است.

امام سجاد (علیه السلام) در این رابطه می فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ فَأَنْ تَسْتَوْفِيَهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ فُتُوذِي إِلَى لِسَانِكَ حَقُّهُ وَ إِلَى سَمْعِكَ حَقُّهُ وَ إِلَى بَصَرِكَ حَقُّهُ وَ إِلَى يَدِكَ حَقُّهَا وَ إِلَى رِجْلِكَ حَقُّهَا وَ إِلَى بَطْنِكَ حَقُّهُ وَ إِلَى فَرْجِكَ حَقُّهُ وَ تَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَى ذَلِكَ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۱/۱۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۱/۱۰)؛ اما حق خودت بر خودت آن است که از تمام قوه و نیروی خدادادی ات استفاده کنی و خودت را در مسیر طاعت خداوند قرار دهی. پس ادا نمایی حق زبانت را و حق گوشت را و حق چشمت را و حق دستت را و حق پایت را و حق شکمت را و حق عورتت را و در ادای این حقوق از خدا کمک بخواهی و به او اتکا کنی.

بنابراین انسان در قبال خودش این مسئولیت را دارد که تلاش کند تا در حد توان از تمام قابلیت های خدادادی خویش بهره ببرد تا در مسیر طاعت و قرب الهی عملکرد بهتری داشته باشد و در آن مقام نیز حقوق اعضای بدنش را ادا نماید. بی شک این مقصود بدون اطاعت خداوند محقق نخواهد شد زیرا تمام این ها مخلوقات باری تعالی هستند و هر کدام مسیر کمالی دارند که باید به سمت آن حرکت کنند. البته روشن است که اطاعت از عبادت متمایز است.

۳.۲. ولایت‌مداری (ارتباط انسان با دیگران)

در جهان کنونی هرچند سازوکارهای مختلفی برای اداره جوامع به کار گرفته می شود اما هیچ یک از آن ها نتوانسته به صورت کامل از نفوذ امیال شخصی افراد قدرتمند جلوگیری کند. همین مسئله چالش ها و نابرابری های زیادی را به بار آورده است. به همین سبب است که باید شخصی جامع و تکامل یافته در بالاترین سطح، رهبری مردم را بر عهده گیرد تا بتواند در مواقع حساس با نگاهی ژرف به مسائل پیرامونی، به راهنمایی و هدایتگری بپردازد و این مهم بدون اتصال به سرچشمه الهی امکان پذیر نیست. از این

رو خداوند متعال، پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام و نائبان عام و خاص ایشان را برگزید تا این وظیفه خطیر را برعهده گیرند. در واقع هر عصری به فراخور شرایطش، مصالحی را در بر دارد که تنها ولی حاضر آن‌ها را درک می‌نماید و هرچه غیر این باشد در نهایت به انحراف کشیده خواهد شد. پس مردم تنها باید ولایت افرادی را بپذیرند که از پروردگار عالم اجازه این کار را دارند. آنان در این مسیر باید در حد کمال، ولایت‌پذیری خود را نشان دهند و از رفتارهای عجولانه و تند و خودپرستانه پرهیز کنند و خلاف خواست ولی امرشان حرکتی نکنند: «الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ» (صحیفه سجادیه: دعای ۴۷)؛ به ولایتشان تمسک دارند، به امامتشان اقتدا می‌کنند، به دستوراتشان تسلیمند، در فرمان‌برداری از آنان کوشایند.

این‌ها ویژگی‌ها شامل فقیهان جامع الشرایطی که به عنوان نائبان عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و منصب ولایت را در کشورهای مختلف برعهده دارند نیز می‌شود.

حال که این مطلب روشن شد باید اشاره نمود که از جمله آن نکات عبارتند از: نخست این که اگر حاکم جامعه عادل و جامع باشد بر مردم واجب است که ولایت و حاکمیت او را بپذیرند و محبتش را در دل‌هایشان پرورش دهند و در مسیر یاری‌اش گام بردارند: «الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ».

دوم این که باید در تمام اوامری که از سوی رهبر صادر می‌شود پیرو حقیقی باشند: «الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ» و بر همان اساس عمل کنند. زیرا اگر از پیشوای صالح اطاعت نشود شکست آن اجتماع حتمی است: «أُتِيتُ بُسْرًا قَدْ أَطْلَعَ الْيَمَنَ وَ إِنِّي وَاللَّهِ لَأُظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيُدْأَلُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَ بِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَ طَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ» (نهج البلاغه: خطبه ۲۵)؛ به من خبر رسیده که بسر بن اوطاة بر یمن تسلط یافته، سوگند به خدا می‌دانستم که مردم شام به زودی بر شما غلبه خواهند کرد. زیرا آن‌ها در یاری کردن باطل خود، وحدت دارند و شما در

دفاع از حق متفرّقید. شما امام خود را در حق نافرمانی کرده و آن‌ها امام خود را در باطل فرمانبردارند.

همان‌طور که فرمانبری از سلطان ظالم حرام است و مورد نهی شدید قرار گرفته و حتی آثار اعمال نیک آدمی را نیز از بین می‌برد، در مقابل، اطاعت از دستورات امام علیه السلام در امور مختلف واجب است و این وظیفه‌ای است که در هیچ حالتی استثنابردار نیست. در واقع حکمی قطعی است که حتماً باید اجرا شود.

سوم این که ملت باید به این درجه از بینش برسند که شخص منتخب بر اساس منافع و مصالح جمعی تصمیم می‌گیرد و نگاهی همه‌جانبه به موضوعات مختلف دارد. پس با در نظر گرفتن این مطلب بر تمام مردم لازم است که با اوامر ولی خویش موافقت نمایند و تسلیم محض او باشند: «الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ»؛ زیرا رهبری که این گونه انتخاب می‌شود و جنبه روحانی و معنوی تقویت‌شده‌ای دارد حتماً به اموری آگاهی دارد که افراد عادی از آن مسائل بی‌خبرند. پس در این موقعیت عقل نیز حکم می‌کند که به جای رفتارهای کورکورانه که منجر به گمراهی می‌شود باید از هدایتگری زمامداران پرهیزکار بهره‌مند شد تا همه بتوانند راه سعادت را بیابند و در آن مسیر حرکت کنند.

آخرین نکته که از کلام معصوم علیه السلام برداشت می‌شود این است که انسان‌ها باید در فرمانبرداری از دستورات پیشوای خویش فعالانه به میدان بیایند و از رویکردهای منفعلانه پرهیز کنند: «الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ»؛ پس باید در این زمینه نهایت تلاش خود را به کار بندند و دیگران را نیز به اطاعت ترغیب کنند تا جامعه به صورت یکپارچه به سوی اهداف متعالی؛ چه دنیوی و چه اخروی رهسپار شود و اسباب پیشرفت را به صورت جمعی به دست بیاورد. در واقع با نهادینه کردن چنین رویکردهایی مسلم است که سطح تعهد اجتماعی افزایش چشمگیری خواهد داشت.

۲. ۴. اخلاق زیست محیطی (ارتباط انسان با محیط زیست)

این مؤلفه به صورت جامع در صحیفه سجادیه بحث نشده که بتوان مستقلاً آن را استخراج نمود اما معصوم علیه السلام در بیاناتی به صورت بسیار مختصر به این مسئله توجه داده اند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (صحیفه سجادیه: دعای ۱۹)؛ خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را از برکات آسمان‌ها و زمین روزی بخش؛ همانا تو بر هر کاری توانایی.

در عصر کنونی بیشتر نابسامانی‌های طبیعی از جمله کاهش سفره‌های زیرزمینی، سیل‌ها، آسیب رسیدن به لایه ازن و... به علت نابودی و تخریب محیط زیست است که به دست انسان‌ها به وجود آمده و از بزرگ‌ترین مشکلات جهان امروز به شمار می‌رود. از منظر دینی محافظت از منابع طبیعی از مهم‌ترین مسئولیت‌های انسان به شمار می‌رود. به همین خاطر قرآن کریم همیشه انسان را از فساد در زمین نهی می‌نماید: «...وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» (اعراف: ۸۵)؛ و در روی زمین، بعد از آن که (در پرتو ایمان و دعوت انبیا) اصلاح شده است، فساد نکنید.

کاملاً روشن است که آلوده کردن و نابودی محیط زیست از مصادیق بارز فساد در زمین محسوب می‌شود.

در روایات بسیاری نیز به مراقبت از زمین و محیط زیست و اقدام به عمران و آبادانی در آن سفارش شده است (رک. مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۷/۷؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ۱۲/۱۹۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲۸۰/۵). این آبادانی نیز باید از استحکام و اتقان برخوردار باشد (رک. شیروانی، ۱۳۸۲، ۶۸۳/۲). لذا اسلام برای ارائه بهترین طرح محیط زیستی رابطه‌ای مسئولانه میان انسان و عوامل طبیعی ایجاد نموده است. به این بیان که همه اشخاص جامعه در برابر طبیعت و حیوانات مسئولند. همان طور که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ...» (نهج

البلاغه: خطبه ۱۶۷؛ از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید زیرا شما در پیشگاه خداوند مسئول بندگان خدا و شهرها و خانه‌ها و حیوانات هستید. خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سر باز مدارید.

در صحیفه سجاده نیز در دعاهاى متعددى به موضوعاتى مانند آسمان و زمین، گیاهان، میوه‌ها، پدیده‌های جوی، کوه‌ها و رودها پرداخته شده است. این نوع نگاه سبب می‌شود انسان با دقت بیشتری به مسائل پیرامونی خویش بنگرد و از رفتار منفعلانه فاصله بگیرد و با گسترش این رویه حس مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی را به بالاترین سطح خود ارتقا دهد. در نتیجه با بهبود عملکرد ارگان‌ها در عرصه‌های مختلف از تجمل‌گرایی و اسراف منابع نیز جلوگیری خواهد شد.

۳. مصادیق تعهد اجتماعی

صحیفه سجاده علاوه بر بیان وظایف افراد نسبت به دیگران که آشکارا از مصادیق تعهد اجتماعی هستند، با هوشمندی تلاش دارد وظایفی که انسان در قبال خویش، خداوند و محیط زیست دارد را نیز از جمله این تعهدات به شمار آورد؛ زیرا هرچند این‌ها به طور مستقیم تأثیرگذار نیستند اما غیر مستقیم در افزایش میزان تعهد اجتماعی مؤثرند. امام علیه السلام مصادیق این حوزه را دارای بار اجرایی می‌دانند که تنها توصیه‌هایی انتزاعی نیستند و نظامی یکپارچه را برای تحکیم روابط انسانی و ایجاد جامعه‌ای متعالی ارائه می‌دهند. در این بخش با ارائه مصادیقی چند سطحی، نشان داده خواهد شد که چگونه التزام به این موارد می‌تواند تحولی ساختاری در تعهدات اجتماعی ایجاد نماید.

این مصادیق در هفت دسته جای می‌گیرند که عبارتند از:

۱.۳. برخورد و رفتار ملایم با والدین (خانوادگی)^۱

نوع رفتار افراد بیانگر شخصیت و میزان بلوغ آنان است؛ یعنی هرچه این رفتار محترمانه‌تر و همراه با رعایت آداب باشد، نشان‌دهنده تکامل فرد در عرصه‌های مختلف خواهد بود. این کنش ریشه در عواملی همچون فروتنی، مناعت طبع و سعه صدر دارد. همان‌گونه که یک رفتار و عادت به صورت تدریجی شکل می‌گیرد، اصلاح و تغییر آن نیز مستلزم گذر زمان است تا در فرد تثبیت شود (شرفی، ۱۳۸۹، ۵۱). برای اصلاح هر رفتار نادرست، لازم است فرد ابتدا نسبت به پیامدهای آن آگاهی کسب کند تا بتواند در مسیر اصلاح به موفقیت برسد. در این میان، با توجه به جایگاه والای پدر و مادر نزد خداوند، رعایت احترام و نرم‌خویی در رفتار با آنان امری بسیار ضروری است.

امام زین العابدین (علیه السلام) در این زمینه می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ... وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي» (صحیفه سجاده: دعای ۲۴)؛ خدایا... و خوی و خصلتم را نسبت به آنان نرم کن.

بنابراین رفتار ملایم یکی از تعهدات مهم فرزندان نسبت به والدین محسوب می‌شود. قرآن کریم نیز اصول رفتار با والدین را در قالبی روشن بیان می‌کند: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء: ۲۴)؛ و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فروود آر و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آن‌ها مرا در کودکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.

علاوه بر این می‌دانیم که ذلت و خواری در هر شرایطی، برای انسان نکوهیده است اما در برابر خداوند متعال و پدر و مادر، این فروتنی امری شایسته است.

۱. مصادیق دیگر رک. صحیفه سجاده: (۳، ۵، ۶/۲۴)؛ (۲، ۴، ۵/۲۵)؛ (۱۰/۴۴) از جمله: ترس از بزرگی والدین، دانستن حقوق والدین و عمل به آن‌ها، تقدم خواسته‌های والدین بر خواسته‌های فرزندان و

مقصود امام علیه السلام از این مسئله، تأکید بر تواضعی است که نشان‌دهنده محبت و علاقه حقیقی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۷۶/۱۲). در واقع فروتنی یکی از جلوه‌های مهم نرم‌خویی است که این دعا به آن اشاره دارد.

این روش تربیتی نه تنها آداب فرزند بودن را آموزش می‌دهد، بلکه شیوه صحیح برخورد با والدین را با توجه به جایگاه والای آنان تعلیم می‌دهد. فردی که اصول درست رفتار را آموخته باشد، در تعاملات اجتماعی نیز موفق‌تر خواهد بود. چنین رویکردی نه تنها میزان تعهد اجتماعی را افزایش می‌دهد، بلکه سطح اعتماد اجتماعی و انسجام ملی را ارتقا می‌بخشد.

۲.۳. پرهیز از بردن آبروی دیگران (اجتماعی)^۱

حفظ آبروی مردم و به طور خاص مسلمانان، از مواردی است که رعایت آن بسیار اهمیت دارد و هتک حرمت در این مسئله حرام است (احمدی میانجی، ۱۴۲۴ق، ۸۷). بر همه افراد جامعه حفظ این موضوع واجب است هرچند در درجه نخست حفظ این موهبت بر عهده خود فرد است (رک. میر عرب، ۱۴۰۲، ۱۲۲).

دین مبین اسلام نیز در برنامه‌های تربیتی خویش بر این نکته تأکید نموده است. البته فقه شیعه حفظ آبروی مؤمنین یعنی شیعیان دوازده امامی را واجب می‌داند، با این حال در کتب روایی مراعات این مورد به طور کلی برای تمام مسلمانان مطرح است (عاملی، ۱۴۱۳ق، ۵/۳۳۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۳ق، ۸۷؛ دیلمی، ۱۳۷۱، ۱/۱۱۷؛ صدوق، ۱۳۶۴، ۱۴۵). البته

۱. مصادیق دیگر رک. صحیفه سجاده: (۱۱/۵)؛ (۳، ۴، ۵، ۸/۸)؛ (۱/۳۸)؛ (۱۰، ۱۳، ۱۸، ۲۰/۲۰)؛ (۹، ۱۲، ۲۵/۴۵)؛ (۲، ۳/۲۶)؛ (۱۰، ۷/۴۴) از جمله: پرهیز از آزار دیگران، اولویت داشتن درخواست نیازمند، خودداری از سرزنش دیگران و



اگر انسان این ویژگی را در خویش پرورش داد از بیماری‌های الحادی در نفس رهایی می‌یابد؛ زیرا ریشه تمام این‌ها به درون فرد برمی‌گردد.

امام زین العابدین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «التَّصَرُّعُ إِلَيْكَ، وَ الْخُشُوعُ لَكَ» (صحیفه سجادیه: دعای ۴۴)؛ فروتنی به پیشگاهت و خواری در برابرت.

بر این اساس اگر توجه‌ها به این موضوع جلب شود، مردم به صورت خودجوش در امور خیر پیشگام می‌شوند و از پیروی هوای نفس پرهیز می‌نمایند و برای کسب هر چه بیشتر رضایت الهی، وظایف و تعهدات خود را به بهترین شکل انجام می‌دهند. در نتیجه آرامش به صورت گسترده حاکم خواهد شد و به مدد بالا رفتن سطح التزام افراد و به وجود آمدن روحیه تعاون، انجام کارها بسیار آسان می‌شود.

۳. ۴. حفظ امنیت مرزها (نظامی)^۱

نظارت بر مرزها در حفظ امنیت هر کشوری، اهمیت بسیاری دارد. در واقع مرزها نماد حاکمیت ملی هر قلمرویی هستند. در این خصوص سطح وظایف مسئولان، مرزبانان، مرز نشینان و... به یک میزان نیست و نسبت به هر جایگاهی، تعهداتی وجود دارد که افراد مد نظر باید به آن‌ها ملتزم شوند.

به همین علت امام چهارم علیه السلام نیز این مصداق از تعهد اجتماعی را متذکر شده‌اند: «أَحْرُسُ حَوَازِئَهُمْ وَ أَمْنَعُ حَوْمَتَهُمْ» (صحیفه سجادیه: دعای ۲۷)؛ اطراف و جوانبشان را محکم و نفوذناپذیر ساز.

از کلام معصوم علیه السلام این نکته قابل برداشت است که حراست از حدود کشور، تنها متکی به مرزداران و نیروهای مسلح نیست، بلکه وابسته به قدرت نامحدود خداوند متعال

۱. مصادیق دیگر رک. صحیفه سجادیه: (۲/۲۷، ۳/۱۳، ۴/۲). ازجمله: استقرار نیروهای انتظامی در شهرها، اعزام مستشاران نظامی به کشورهای اسلامی، تبلیغ در رابطه با مسائل نظامی و... .

است. به همین علت معصوم علیه السلام درخواست خود را بی واسطه از پروردگار تقاضا می کنند (ممدوحی، ۱۳۸۸، ۲/ ۴۶۹). پس باید علاوه بر ایجاد آمادگی های لازم، بر قدرت الهی نیز توکل نمود و به این واسطه از پشتوانه معنوی نیز بهره مند شد (رک. انصاریان، ۱۳۸۹، ۱۰/ ۱۳). در چنین فضایی، عمل به تعهدات اجتماعی مفهوم حقیقی خود را خواهد یافت و یکی از ارزش های جامعه خواهد شد و زمینه های انسجام ملی را به ارمغان خواهد آورد.

۳. ۵. استفاده از منابع طبیعی و تلاش برای حفظ آن ها (محیط زیست)^۱

مسئله محیط زیست در اسلام به معنای امروزی آن مورد بحث قرار نگرفته اما در قرآن کریم به عنوان یکی از مهم ترین منابع شناخت و معرفت نسبت به دین معرفی شده و در آیات بسیاری از بشر خواسته شده که در این نشانه های الهی تفکر نماید.

علاوه بر این هر چه را خداوند متعال آفریده و منعی در بهره وری انسان ها از آن بیان نفرموده همه می توانند در جنبه های درست مورد استفاده قرار گیرد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره: ۱۶۸)؛ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید و از گام های شیطان، پیروی نکنید. چه این که او دشمن آشکار شماست.

البته ناگفته پیداست که عملکرد افراد نباید به گونه ای باشد که مصداق تعدی به خود بگیرد، بلکه باید در جهت رسیدن به قرب الهی به کار گرفته شود. پس وجود مالکیت برای اشخاص در این مورد منطقی نیست. در حقیقت این منابع مانند ابزارهایی هستند که باید برای رفع نیازهای مختلف از آن ها استفاده نمود.

۱. مصادیق دیگر رک. صحیفه سجاده: (۱۰۷/۱۹) از جمله: بهره مندی مفید و به اندازه از محیط زیست و



از طرف دیگر منابع کنونی بدون فعالیت‌های انسانی به وجود آمده‌اند و بسیار ارزشمند و منحصر به فرد هستند، پس تمام انسان‌ها باید به مردم و نسل‌های آینده متعهد شوند و در حفظ و نگهداری از این الطاف خدادادی نهایت تلاش خود را به کار بندند. امام زین العابدین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ... مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ» (صحیفه سجاده: دعای ۱۹)؛ خدایا! ما را به باران سیراب کن... از ابری که برای گیاه زیبای زمینت... سوق داده شده.

این بیان حضرت علیه السلام در عصر و جامعه‌ای بوده که خبری از دانش‌های مختلف از جمله هواشناسی و... نبوده است. با آن که خطه عربستان از کم‌باران‌ترین مناطق جغرافیایی می‌باشد (ممدوحی، ۱۳۸۸، ۲/ ۱۷۶) اما ایشان از این تعبیر استفاده نموده‌اند که به نظر می‌رسد هدف در اینجا این موضوع باشد که ملاک در بهره‌برداری، رعایت چرخه متعادل طبیعت است. به این بیان که طلب کردن و حتی استفاده از روزی‌های حلال تا زمانی که از حد توازن خارج نشود هیچ‌گونه منعی ندارد. پس انسان‌ها هم می‌توانند از تمام منابع موجود در چارچوب‌هایی مشخص بهره ببرند همان‌طور که ابرها با بارانی که با خود به همراه می‌آورند ضامن حفظ حیات زمین و گیاهان هستند. به بیان بهتر آدمیان نیز موظفند با رسیدگی درست به این ذخایر، حافظ محیط زیست باشند.

۶.۳. پرداخت زکات (اقتصادی)^۱

یکی از واجبات مالی در اسلام پرداخت زکات است که قرآن کریم مکرراً در کنار نماز به وجوب آن اشاره نموده است: «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (بقره: ۴۳)؛ نماز را به‌پا دارید و زکات را بپردازید.

۱. مصادیق دیگر رک. صحیفه سجاده: (۷/۸)؛ (۱۲، ۱۶/۴۵)؛ (۱۰/۴۴) از جمله: صدقه دادن، پرهیز از غضب اموال مردم و... .

زکات از نظر لغوی از ریشه "زکو" می‌باشد که دلالت بر زیاد شدن، رشد و نمو دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۳، ۱۷-۱۶). در اصطلاح به معنای وجوب پرداخت مقدار مشخصی از اموال است که به حد نصابی خاص رسیده باشند.

علت این که این واجب را زکات نامیده‌اند آن است که باعث پاکیزه شدن نفس انسان و برکت یافتن مال او می‌شود (قریب، ۱۳۶۶، ۱/ ۵۰۹). به عقیدهٔ راغب اصفهانی صدقه در اصل برای امور مستحبی به کار می‌رود و زکات در امور واجب استعمال می‌شود ولی از آن جهت که صاحبش آن را از روی میل و رغبت می‌پردازد به آن صدقه می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۴۸۰).

فلسفهٔ پرداخت زکات، ریشه‌کن نمودن فقر از جامعهٔ اسلامی است. پس این مورد نیز یکی از مسئولیت‌هایی است که افراد نسبت به یکدیگر و در نگاهی جامع، در قبال جامعهٔ خود دارند و باید به آن ملتزم باشند و به هیچ عنوان نباید در انجام این تعهد کوتاهی نمایند زیرا آسیبی که در پی بی‌توجهی به این امر الهی به وجود خواهد آمد برای اهداف و مصالح کل مجموعه زیانبار است. به همین سبب امام زین العابدین علیه السلام نیز به این نکته توجه نموده‌اند: «أَنْ نُّظَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ» (صحیفه سجاده: دعای ۴۴)؛ با بیرون کردن زکات، ثروت و مال خود را در مدار پاکی قرار دهیم.

توسعهٔ فرهنگ پرداخت زکات به عنوان بازوی اقتصادی نظام اسلامی با برقراری عدالت در توزیع ثروت سبب رشد اقتصادی، توازن اجتماعی و شکل‌گیری اقتصادی پایدار در جوامع اسلامی می‌شود. در واقع ملتی که این دستور دینی را به صورت فراگیر و دقیق اجرا می‌کند در عمل سطح تعهد اجتماعی بالای مردم را نشان می‌دهد. اما در مقابل، کم‌توجهی به این موضوع، به اعتقاد و ایمان افراد و سیر تکاملی جامعه صدمه‌ای جدی وارد خواهد کرد.

۲.۳. تلاش برای گسترش عدالت (حکومتی)^۱

عدالت و ظلم از مفاهیمی است که هر کس با وجدان و فطرت پاک خود می‌تواند آن را درک کند و از یکدیگر تمیز دهد. اما گاهی منافی در این بین دخیل هستند که تصمیم‌گیری‌ها را با چالش روبه‌رو خواهند کرد. این اصطلاح معنای وسیعی را در کلیه شئون زندگی انسان در برمی‌گیرد و به معنی رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به کار می‌رود. در معنای عام هر چیزی که در جای خود نهاده شود و هر کاری که به وجه شایسته‌اش انجام شود این عنوان بر آن صدق می‌کند (فوادیان دامغانی، ۱۳۸۲، ۲۷).

عدالت در واقع یکی از مهم‌ترین ارکان تقوا محسوب می‌شود و ریشه اصلی انحراف از این مهم همان پیروی از هوای نفس است. البته اسلام صرف عدالت نظری را مدنظر ندارد بلکه آنچه هدف اصلی در نظر گرفته می‌شود اجرا و گسترش عدالت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۴، ۳۰۳-۳۰۰).

امام سجاد (علیه السلام) نیز صراحتاً به این اصل اشاره کرده‌اند: «بُسْطُ الْعَدْلِ» (صحیفه سجاده: دعای ۲۰)؛ گسترش عدالت.

اگر عدالت در کشوری نباشد، چیزی در جای خود برقرار نمی‌ماند و فساد همه چیز را در بر خواهد گرفت و همه این‌ها معلول بی‌عدالتی است (انصاریان، ۱۳۸۹، ۳۴۵/۸). پس حکومت‌ها باید با ارائه و اجرای راهکارهایی روشمند و کاربردی، زمینه‌های گسترش عدل را در حوزه‌های مختلف فراهم سازند تا بتوانند به آثاری همچون اصلاح مردم، آبادانی، پایداری قدرت و... دست یابند و در مسیر رشد و توسعه گام بردارند. در مقابل، وقتی مردم این عملکرد را از حکومت اسلامی مشاهده کنند اعتماد اجتماعی تقویت می‌شود و افراد در هر حوزه و سطحی که قرار داشته باشند مسئولانه‌تر عمل می‌کنند.

۱. مصادیق دیگر رک. صحیفه سجاده: (۶/۸)؛ (۹، ۴/۴۵)؛ (۱۰/۲۰) از جمله: اجرای عدالت حتی در کیفر، از بین بردن فتنه، پرهیز از عجله در مجازات و... .

نتیجه گیری

تعهد اجتماعی، یکی از عوامل شکل دهنده نظم و ثبات در جوامع محسوب می شود که قادر است چارچوبی بنیادین برای روابط انسانی فراهم آورد. این مفهوم در منابع دینی و به خصوص صحیفه سجادیه با وسعت بیشتری مطرح شده و شامل ابعادی است که در نگاه نخست مورد توجه نبوده اند از جمله:

۱. تعهد اجتماعی شامل تمام کنش ها و مسئولیت هایی است که فرد، با توجه به ارزش های پذیرفته شده خود نسبت به خداوند، خویشان، دیگران و محیط زیست بر عهده دارد و در چارچوبی مشخص، به انجام بایدها و پرهیز از نبایدها ملزم می شود.
۲. مؤلفه های تعهد اجتماعی بر پایه روابط انسان با خدا، انسان با خویش، انسان با دیگران و انسان با محیط زیست بنا شده اند.
۳. مصادیق این حوزه در هفت گروه خانوادگی، اجتماعی، معرفتی، نظامی، محیط زیست، اقتصادی و حکومتی قرار می گیرند.

منابع

* **قرآن کریم**، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.

** **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش.

*** **صحیفه سجادیه**، ترجمه حسین انصاریان، قم، پیام آزادی، چ ۱۳، ۱۳۸۲ ش.

۲۰۳

۱. ابن شعبه حرانی، **تحف العقول عن آل الرسول ﷺ**، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، چ ۲، ۱۳۶۳ ش.

۲. ابن فارس، ابو الحسن احمد، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.

۴. احمدی میانجی، میرزا علی، **مالکیت خصوصی در اسلام**، تهران، دادگستر، ۱۴۲۴ ق.

۵. انصاریان، حسین، **تفسیر و شرح صحیفه سجادیه**، قم، دار العرفان، ۱۳۸۹ ش.

۶. جعفری لنگرودی، **دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت**، تهران، بنیاد استاد، ۱۳۵۷ ش.

۷. حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، چ ۳، ۱۴۱۶ ق.

۸. خمینی، روح الله، **تقریرات فلسفه امام خمینی (ره)**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱ ش.

۹. خمینی، روح الله، **کشف الاسرار**، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۲۷ ش.

۱۰. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ روزنه، ۱۳۷۲ ش.

۱۱. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، **ارشاد القلوب**، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۱ ش.

۱۲. راغب اصفهانی، **مفردات الفاظ القرآن**، بیروت، دار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.

۱۳. رضوی، مرتضی، **انسان و علوم انسانی در صحیفه سجادیه**، تهران، بینش نو، ۱۳۹۲ ش.



۱۴. شرفی، محمد رضا، **جوان و نیروی چهارم زندگی (اراده خودساز شخصیت)**، تهران، سروش، چ ۷، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. صدوق، محمد بن علی، **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، قم، الشریف الرضی، چ ۲، ۱۳۶۴ ش.
۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی)، چ ۱۱، ۱۳۷۸ ش.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، لبنان، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چ ۳، ۱۹۷۳ م.
۱۸. عاملی، زین الدین بن علی، **مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام**، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. فاضل لنکرانی، محمد، **مناسک حج**، قم، دفتر آیت الله فاضل لنکرانی، چ ۱۲، ۱۴۲۳ ق.
۲۰. فوادیان دامغانی، رمضان، **سیمای عدالت در قرآن و حدیث**، تهران، لوح محفوظ، ۱۳۸۲ ش.
۲۱. قرشی بنایی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ ۶، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. قریب، محمد، **تبیین اللغات لتبیین الآیات**، تهران، بنیاد، ۱۳۶۶ ش.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام**، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ ۳۲، ۱۳۸۰ ش.
۲۶. ممدوحی، حسن، **شهود و شناخت**، قم، بوستان کتاب، چ ۴، ۱۳۸۸ ش.
۲۷. میر عرب، فرج الله، «حفظ آبروی مسلمان در آیات و روایات»، **ره توشه**، دوره ۴، ش ۱۶، ۱۴۰۲ ش، صص ۱۱۹-۱۳۰.
۲۸. نوری، حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، لبنان، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.